

تاریخ سیره و صدر اسلام^۱

عباس بصیری^۲

موضوع نگارش دربارهٔ هنگامهٔ ظهور اسلام یا هر آیین دیگری سختی‌های خاص خود را دارد. اگر باورها و اعتقادات شخصی را به کناری نهیم باز این سختی تنها شامل کمیاب و نایاب بودن منابع و ابهامات موجود در آنها نیست، بلکه تاریخ‌پژوهان خود را در برابر داده‌هایی می‌بینند که غالباً تا حد زیادی شاخ و برگ یافته و مبالغه و اغراق بسیاری در آنها صورت گرفته است، به گونه‌ای که تشخیص و تمییز حقیقت از اسطوره را دشوار می‌سازد. بسیاری از تاریخ‌پژوهان عرب بر این باورند که در این زمینه پژوهش در تاریخ دین اسلام سختی‌های کمتری را متحمل می‌سازد. دلیل این امر وجود دانسته‌هایی بسنده‌تر درباره پیامبر اسلام است. مع الوصف داده‌هایی که از شبه جزیره عربی در این زمان داریم پاره پاره و گمراه کننده‌اند، تا جایی که بسیاری از اوقات فهم دقیق و کامل تاریخ این بازه زمانی میسر نیست.

کتابهای بسیاری درباره زندگانی پیامبر اسلام و سیره وی نگاشته شده است و در همه آنها گزارش‌هایی مفصل با دقت و تحلیل نسبی ارائه شده است، به گونه‌ای که ما نما و تصویری جامع از حقایق اصلی مربوط به فعالیت‌های ایشان را در اختیار داریم. البته بایست یادآور شد که این حقایق در تحلیل همه جانبهٔ فعالیت‌های پیامبر راهگشا نیستند، به همین جهت طبیعی است که تاریخ‌پژوهان پیرامون تفسیر خود از سیره نبوی اختلاف نظر داشته باشند. آبخور این مسئله آنجاست که دانسته‌های ما نسبت به شبه جزیره عربی به طرق دیگر نیز اندک است، تفاسیری که اغلب اوقات بر پایه همین اطلاعات اندک و با گمانه‌زنی‌های تاریخ‌پژوهان شکل می‌گیرند بیشتر از تحلیل‌های تاریخی مستند به مدارک قابل اتکا است.

رهیافت‌های شرق‌شناسانهٔ خوب و جدی‌ای در این زمینه انجام شده است، از آن جمله آثاری است که مونتگمری وات، گادفری دیمومبین، ماکسیم رودنسون و تور آندریه، در زبانهای فرانسه، آلمانی و انگلیسی نگاشته‌اند. با وجود اهمیت این آثار بایست گفت که آنها تنها نقاط معینی از سیره پیامبر را روشن ساخته‌اند، به عنوان مثال با وجود اهمیت مباحث انتقادی‌ای که مونتگمری وات با گرایش اقتصادی‌اش مطرح می‌سازد، به شکل عام و کامل نیازها را برآورده نمی‌سازد. مرجعیت آثار شرق‌شناسانه به صورتی فراگیر در تولید آثار تاریخ‌پژوهانهٔ عربی مربوط به صدر اسلام اثرگذار بوده است، بطوری که از سویی بخش مهمی از آنها را گرفتار برخی مقولات خاص کرده است، و از سوی

^۱. این مقاله ترجمه‌ای است از مقاله‌ای با عنوان «تاریخ السیره و صدرالاسلام» از عبدالغنی عماد استاد دانشگاه لبنان است.

^۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران.

دیگر گروهی دیگر را به دست مایه قرار دادن نص تاریخی به جای مانده از سیره‌نگاری‌ها بدون نقد و تحلیل برانگیخته است.

در عمل، تدوین سیره پیامبر زمانی آغازید که بدان احساس نیاز جدی شد. مسلمانان هنگامی این نیاز را احساس کردند که تعداد زیادی از صحابه که شاهد رخداد‌های مهم زندگانی پیامبر بودند از دنیا رفته بودند. تعداد محدودی از صحابه پیامبر اسلام که همچنان در قید حیات بودند مرجع نخستین و اصلی برای اطلاع‌یابی از وقایع زندگانی پیامبر بودند، پس از ایشان کسانی که پیرامون آنان بودند، راویان‌شان و کسانی که به آنان «تابعین» اطلاق می‌شد به تدریج جایگاه آنان را اشغال کردند.

جایگاه تابعین به فرزندان صحابه ساکن مدینه به خصوص فرزندان مهاجران که حضوری پررنگ‌تر از دیگران داشتند تعلق داشت. به دلایل گوناگون و متعدد که بیشتر آنها سیاسی بودند فرآیند تدوین سیره رسول اکرم (ص) در روزگار امویان به کندی گرایید، با این وجود دانشمندان بزرگی به مانند ابن شهاب زهری، ابوالأسود و موسی بن عقبه و محمد بن اسحاق و ابوالمعشر السندی تالیف و تدوین سیره رسول الله (ص) را آغاز کردند. از مهمترین آثاری که از این دوران به ما رسیده و جامع‌ترین آنهاست سیره محمد بن اسحاق است که ابن هشام حمیری نحوی (م. ۲۱۸ یا ۲۱۳ق) آن را تلخیص کرد. کما اینکه سیره ابن هشام قدیمی‌ترین و موثق‌ترین کتاب پیرامون زندگانی پیامبر اسلام است. پس از آن کتاب‌های مغازی محمد عمر واقدی، طبقات ابن سعد، أنساب الاشراف بلاذری، و در آخر تاریخ طبری و آنچه پس از قرن سوم از طبری نقل شده قابل ذکر هستند. تاریخ‌پژوهان معاصر عرب با وجود داشتن این داده‌های غنی در تعامل با آنها اندکی بیمناک هستند، با وجود اینکه سیره پیامبر مانند قرآن و حدیث در دین و آئین مقدس اسلامی وارد نشده است و از تقدسی به مانند آنها برخوردار نیست، ولی با این حال در آگاهی تاریخی عمومی امت اسلامی نشانه‌های اساسی از سیره و عملکرد پیامبر اسلام از ولادت تا وفات آن حضرت و سختی‌ها، رنج‌ها و مبارزاتش در راه پایه‌گذاری عقیده و دولت اسلامی ضبط و ثبت شده است.

محمد حسین هیکل (۱۸۸۸-۱۹۵۶م.) از نخستین تاریخ‌پژوهانی است که به شکلی متمایز اقدام به نگارش سیره کرد، این اقدام متمایز و متفاوت وی ماحصل تأثیرگذاری فرهنگ، تحصیلات و پژوهش وی در فرانسه بود. کتاب وی حیات محمد نخستین اثر از آثار اسلامی او است، که در آن زندگانی پیامبر اسلام به صورتی مستند با خوانشی تحلیلی-تاریخی از سیره نبوی مورد بررسی قرار گرفته است، اما مشغله فکری اساسی وی در این کتاب رد کردن برخی گفته‌ها و نظرات مستشرقین پیرامون مسائلی بود که تأثیرات سوئی بر جامعه گذارده بود. بنابراین پدیدار شدن این کتاب در زمان شیوع شبهات بیمارگونه وحشتناک بود. مردم به خواندن کتاب وی علاقه نشان دادند، همچنین این کتاب مورد نقد و بررسی اندیشمندان قرار گرفت. برخی از آنان کتاب را آماج نقد شدید کرده و برخی دیگر زبان به تحسین آن گشودند. این کتاب گشایش نوی در نگارش سیره

نبوی به سبک و سیاق خاص خود بود، موضوعی که شیخ الأزهر محمد مصطفی المرافی را واداشت تا مقدمه‌ای برای این کتاب به نگارش درآورد.

مرحله مهم گذار در حوزه پژوهش‌های اسلامی با طه حسین و به طور مشخص با آثار وی *علی هاشم السیره*، و دو کتاب دیگرش *الفتنه الکبری* و *مرآة الاسلام* رقم خورد. همه آنها پژوهش‌هایی ژرف در تاریخ اسلام و همچنین در اندیشه اسلامی بودند، وی در این کتاب‌ها مسائل زیادی را مطرح ساخت و بازتاب‌های مثبت و منفی و کشمکش‌هایی را در پی داشت. هنوز در باب شکل‌گیری آگاهی معاصر محملی برای مناقشه و مناظره دیده می‌شود که سنت‌گرایان خود را موظف می‌دانند باور و عقیده طه حسین را مورد طعن و کنایه قرار دهند.

در *علی هاشم السیره* طه حسین زندگانی پیامبر، محیط زندگانی وی و مطالب اسطوره‌گونی که سیره پیامبر را در برگرفته‌اند به خواننده عرضه می‌دارد. وی در این اثر شیوه‌ای روایت‌گر، تاریخی و داستان‌پردازانه را در قالبی انتقادی برگزیده است. شیوه‌ای که مورد استفاده طه حسین قرار گرفت طوفانی سهمگین از انتقادات را در ردّ و نکوهش اقدام وی برانگیخت که همچنان ادامه دارد، تا جایی که محمدحسین هیکل نیز با طه حسین به مخالفت برخاست، زیرا طه حسین در اثر خویش زندگانی پیامبر را به عنوان ماده و مصالحی برای پژوهش در حوزه ادبیات اسطوره‌ای مورد استفاده قرار داده بود به گونه‌ای که این ادبیات اسطوره‌ای در *علی هاشم السیره* وجه غالب داشت. شاید نقدی که سنت‌گرایان غالباً در برابر وی داشتند از این باب بود که آنان معتقد بودند چون طه حسین در تشبیت و اثبات اهداف و اغراض خود از راه عقل‌گرایی و جستجوی علمی شکست خورده است، برای رسیدن به هدف خویش به اساطیری که به آنها شاخ و برگ داده پناه برده و آنها را به ملت خویش عرضه می‌کند. محتویات کتاب ساخته و پرداخته اوهام وی و ظاهراً برای سرگرم ساختن مردم نگاشته شده است. برخی از منتقدین سنت‌گرای طه حسین تا جایی پیش رفتند که با سخنانی چند پهلوی و مبهم *علی هاشم السیره* را به عنوان متمم و تکمیل‌کننده کتاب *الشعر الجاهلی* وی معرفی کردند. در حالی که در کتاب *الشعر الجاهلی* در بکارگیری روش پوزیتیویستی زیاده‌روی و افراط صورت گرفته بود تا جایی که به عنوان مثال ماجرای ابراهیم (ع) و فرزندش اسماعیل (ع) موضوعی اسطوره‌ای برشمرده شده است. در حالی که در مقایسه با این رویکرد طه حسین در کتابش *علی هاشم السیره* در روایت‌پردازی عاطفی-تخیلی مسیر زیاده‌روی را پیموده است. از جمله انتقادات به طه حسین استفاده زیاد وی از احادیث جعلی و ساختگی و بی‌توجهی نسبت به احادیث صحیح بود. منتقدان اعتقاد داشتند که وی بر روی اسراییلیاتی که برخی از آنها در سیره ابن اسحق نیز آمده‌اند تکیه زیادی کرده است، تا جایی که مصطفی صادق الرافعی این اقدام وی را به مثابه استهزاء و ریشخند صریح باورهای مذهبی می‌داند.

بدون تردید عقلانیت طه حسین، عقل جزمی سنت‌گرایان را آزرده خاطر ساخت و در نگرش عمومی انگاره‌های ذهنی اهل سنت خلل ایجاد کرد. منظور از آن نگرش سنتی‌ای است که ذهنیت عام اهل سنت از آن بهره‌مند شده و بر پایه فرضیات آن زیست می‌کند. طه حسین رخداد به تعبیر وی *الفتنه الکبری* را چالشی در تاریخ و واقعیتی در تاریخ و نه در خارج از آن معرفی می‌کند. این نوع بینش و نگرش طه حسین، وی را در برابر اندیشه جزم‌گرای بنیادین قرار می‌داد. در نگرش طه حسین بایست گذشته را از تن‌پوش‌های قدسی عارض بر آن عریان کرده و تاریخ واقعی و آنچه در عالم واقع رخ داده است را آشکار ساخت. طبیعی است که این رویکرد طه حسین با مسیر طراحان تاریخ ساختگی و جعلی و مروّجین رویاها و اساطیر در تعارض است. تفاوت‌های گسترده‌ای میان نگارش سوگیرانه و جهت‌دار با نگارش عینی و بی‌طرفانه وجود دارد، در مورد نخست پیروی و تقلید غلبه دارد و مطالب بدون نقد و تحلیل به صورت مستمر و مقلدانه به نگارش درمی‌آیند، در حالی که در نگارش از نوع دوم، نگارش بر پایه عقل نقاد روشن‌گرانه شکل می‌گیرد.

در نیمه دوم قرن بیستم دوره گذار ثانویه‌ای توسط گروهی از تاریخ‌پژوهان عرب رخ می‌نماید که در آن به موضوع تاریخ سیره و صدر اسلام به شکلی عینی‌تر و در قالبی نقادانه و مبتنی بر تحلیلی نوین پرداختند. از جمله آنان صالح احمد العلی (۱۹۱۸-۲۰۰۴م) تاریخ‌پژوه عراقی بود که نزد مستشرق انگلیسی همیلتون گیب دانش آموخت. عنوان رساله دکترای وی «تشکیلات اجتماعی و اقتصادی در قرن نخست هجری» بود. از مهمترین کتاب‌های وی در زمینه سیره و تاریخ صدر اسلام *الرسول فی المدینه، تاریخ العرب القدیم و البعثه النبویه* هستند. همچنین از وی بیش از ده‌ها کتاب و پژوهش مهم که هنوز به عنوان منابع اساسی و بنیادین در موضوع تاریخ به شمار می‌آیند به یادگار مانده است. احمد صالح العلی افکار و نگره‌های پیشینیان در نگارش تاریخ را رد کرد. فلسفه وی در تفسیر تاریخ بر این پایه است که برای هر رخداد تاریخی علل و سبب‌های متعدد و انگیزه‌های پیچیده وجود دارد، همچنان که نتایج حاصل از هر رخدادی با نتایج رخداد دیگر متفاوت است. ممکن است این نتایج پرشمار و یا اندک، بزرگ یا گسترده باشند. برخی از نتایج رخدادها آشکار بوده و به راحتی فهمیده می‌شوند و برخی نتایج پنهان بوده و کشف و آشکارسازی آنها نیازمند تحلیل ژرف و مهارت و تیزهوشی است. صالح العلی در پژوهش‌های خود درباره صدر اسلام و زندگانی پیامبر به روش تاریخی منظم، محکم و واقع‌گرایانه خویش تکیه می‌کند. وی پیش از استنتاج ابتدا در موضوع دقت لازم را به عمل آورده، به منابع موثق رجوع کرده و اخبار موثق را برمی‌گزیند، سپس به مقایسه داده‌ها پرداخته و در نهایت تحلیل خود را ارائه می‌دهد. صالح احمد العلی بر پایه پژوهش‌های خود در ارائه و فراهم نمودن مواد علمی بنیادین و آکادمیک پیرامون صدر اسلام موفق است.

با وجود برخی نگارش‌هایی که در زمینه سیره و تاریخ صدر اسلام به انجام رسیده است، تولیدات اندیشه‌ای عرب در این زمینه ناچیز و اندک است. از مهمترین آثاری که در حوزه اندیشه در این

زمینه به چاپ رسیده کتابی است که محمد عبدالحی محمد شعبان با عنوان صدر الاسلام و الدوله الامویه^۱ به چاپ رسانده است. وی در ادامه همین اثر بخش دوم را به خلافت عباسی اختصاص داده است. نکته مهم درباره بخش نخست این است که این کتاب مرحله پیدایش و شکل‌گیری دعوت و زندگانی پیامبر اسلام، محیط پیرامونی آن حضرت و گسترش و نشر دعوت وی را با روشمندی نوین و آزاد از قید و بند روایات و روش کلاسیک حاکم بر نگارش‌های تاریخ عرب مورد پژوهش قرار داده است. وی نیز خوانش اقتصادی دارد ولیکن در محدودیت‌هایی که مونتگمری وات گرفتار آنها شده نمی‌افتد. همچنین وی در اینکه ارجحیت را در تحلیل خود به عامل اقتصادی بدهد زیاده‌روی و مبالغه نمی‌کند. به همین جهت تحلیل وی از مسیر کل‌نگر و واقع‌گرایی جامع خود منحرف نمی‌شود. اهمیت اثر شعبان در خوانش استوار، متأملانه و نقادانه او از شمار فراوانی از منابع عربی و شرق‌شناسانه است که وی در اثر خود از آنها استفاده کرده است. با این اقدام وی آنها را در معرض بررسی و نقد قرار داده تا متن تاریخی پیوسته، منقح و نوآورانه‌ای را به مکتب نگارش عربی هدیه کند.

همچنین می‌توان در این مجال از شاعر عراقی، معروف الرصافی (۱۸۷۵-۱۹۴۵م) یاد کرد. پس از مرگ وی کتاب چالش‌برانگیزی از وی به زبان عربی و در آلمان با عنوان *الشخصیه المحمديه*^۲ به چاپ رسید. این کتاب از آثار پیشین اوست که وی سفارش کرده بود که حتی پس از مرگش منتشر نشود، در این کتاب حجیم که نزدیک به ۷۶۵ صفحه است، رصافی زندگانی پیامبر، سلوک، محیط پیرامون وی و روایات اسطوره‌ای را که درباره ایشان حکایت شده‌اند را مورد کاوش قرار داده است. رصافی منابع تاریخی عربی پرشماری را با نقدی استوار مورد بررسی قرار داد، البته نمی‌توان از نظر دور داشت که ممکن است گهگاه در نگارش این اثر شیوه شاعرانه وی بدون اینکه این شیوه پیچیدگی دوچندانی بر تحلیل تاریخی آن بار کند در این بررسی ورود کرده باشد. نگارنده این کتاب روایات مسئله‌دار متناقضی را که با منطق و عقل همخوانی ندارد گردآوری و آنها را روایت کرده و بر آنها تعلیقه و حاشیه نگاشته است. پس از این مقدمات وی به تحلیل آنها پرداخته است. وی از ابتدا این ملاحظه را در نظر دارد که پیامبر بنابر جنبه بشری خود خالی از ایراد نیست، و نبایست همه معایب انسانی را معایب ذاتی دانست، بلکه بر اساس مصلحت عمومی اقتضا می‌کند که اموری در جامعه وضع شوند. اگر آدمی بنا بر مصلحت عمومی اعمالی را که به نظر درست نمی‌رسند مرتکب شود از آنجا که انجام آنها بنابر مصلحت بوده آنها عیب و خطا به شمار نمی‌آیند.^۳ با همین ملاحظه، رصافی موضوع سیره نبوی، آغاز دعوت نبوی را مطرح کرده و داستان‌ها، روایات و مطالب

^۱ - محمد عبدالحی محمد شعبان، صدر الاسلام و الدوله الامویه (بیروت: الأهلیه للنشر و التوزیع، ۱۹۸۳).

^۲ - معروف الرصافی، کتاب الشخصیه المحمديه، أو، حلّ اللغز المقدس (کولونیا، آلمانیا: منشورات الجمل، ۲۰۰۲).

^۳ - پیشین، ص ۱۷.

اسطوره‌ای را که در این باب وجود دارند را مورد بررسی قرار داده است. وی می‌کوشد از این طریق تفاوت و اختلاف بین روایات را درباره دوران قبل از نبوت پیامبر، سفر وی در کودکی به شام، بعد از مبعوث شدن به رسالت، پیامبر در مدینه، ازدواج، علاقمندی‌ها، سلوک رفتاری وی و جنگ‌هایش نقل شده است تبیین کند. بر سرشت عمومی این کتاب روایت‌گری و تتبع بیش از تحلیل همه‌جانبه نگر جامع غلبه دارد آن هم برای فهم جامعه‌ای که شاهد و ناظر زایش یک آیین نو است.

کتاب هشام جعیط که بخش نخست آن با عنوان *فی السیره النبویه: الوحی و القرآن و النبوه*^۱ نام دارد در مسیر دیگری غیر از کتبی که پیشتر از آنها یاد شد گام بر می‌دارد. هشام جعیط پژوهش خود را با دقتی بیشتر، روشمندتر و عینی‌تر پیش می‌برد، تلاش وی در این اثر را می‌توان رهیافتی در میانه ساحت‌های تحلیل متن (نص)، تاریخ ادیان (پژوهش تطبیقی در دین) و نقد و بررسی منابع دانست. بخش‌هایی از این کتاب با وجود حجم اندک آن، بر صورتی از صور انضمامی در مسائل «لاهورت» و الهیاتی مشتمل است، این صورت به ویژه در بخش‌هایی که مربوط به تفکیک وحی و قرآن به مثابه دو کرانه و ساحت جدا از هم، پرسش از لفظ یا معنی بودن کلام الهی، قدسیت جبرئیل و تمایز ماهوی آن با سایر فرشتگان، نزدیک شدن فرشته وحی به پیامبر و دلالت‌های بر نزول آن قابل مشاهده است. کتاب هشام جعیط به مثابه مقدمه‌ای است که مولف در نظر دارد از خلال آن به فهم معانی وحی، قرآن و نبوت با تکیه بر نص و تاریخ تطبیقی نائل آید. وی در صدد یافتن پاسخ برای این پرسش‌هاست که ماهیت مراحل مختلف نزول وحی و اتمام آن یا داخل شدن روح الهی در ضمیر انسان چیست؟ وی برای پاسخ دادن به این پرسش‌ها بخش دوم این کتاب را با عنوان *تاریخیه الدعوه المحمدیه فی مکه*^۲ نگاشت این کتاب اگر ماحصل و ثمره نتایج پژوهش‌های سیره‌پژوهانه قرن بیستم نباشد، بدون تردید از مهمترین کتاب‌هایی است که در این زمینه به نگارش درآمده است. این اثر خارج از دایره نگارش‌های مألوف تاریخی‌ای است که اطلاعات آنها در تصور جمعی رسوخ کرده است. وی در این اثر مطالب متفاوتی را در مقایسه با کتب سیره‌پژوهانه پیشینیان خود ارائه کرده است. از آن جمله اینکه وی تحت پیامبر پیش از بعثت را نفی کرده است. وی معنای واژه «امی» را در معنایی که فرهنگ‌های عربی بیان کرده‌اند نپذیرفته و پیامبر را دانش‌آموخته و باسواد می‌داند. وی روایات مربوط به غار حراء در ارتباط با رسالت پیامبر را مردود دانسته و نه تنها آن را داستانی ساختگی بلکه همچنین نامعقول برمی‌شمرد. هشام جعیط در این اثر جبرئیل را نه در شمار فرشتگان بلکه مستقل از آنان معرفی می‌کند. وی همچنین اعتبار ماجرای معراج پیامبر را زیر سوال برده و آن را موضوعی ساختگی و «دارای ارزش دینی والا» دانسته است. وی معتقد است قرآن با ایده تجسد و تجلی خداوند مخالف است و نص

^۱ - هشام جعیط، الوحی و القرآن و النبوه، ط ۲ (بیروت: دارالطبیعه، ۲۰۰۰).

^۲ - هشام جعیط، فی السیره النبویه: تاریخیه الدعوه المحمدیه فی مکه (بیروت: دارالطبیعه، ۲۰۰۷).

قرآن در باب سخن گفتن خداوند با موسی و گفتگوی خداوند با ابراهیم چیزی جز ارجاعی اسلامی به میراث انسان‌انگاری^۱ بنی‌اسرائیلی در سنت یهوه نزد یهودیان نیست. تأکید قرآن بر استمرار توحید و یگانگی تا منتها درجه تجریدی خود با تنزیه قرآنی برای ذات الهی است. وی قائل به تفکیک بین قرآن و وحی و پیشینی بودن هستی‌شناسانه وحی نسبت به قرآن است، با این اعتبار که وحی معنایی عام‌تر و کلی‌تر از قرآن دارد، زیرا وحی وسیله ارتباط بین خداوند و سائر مراتب وجود است. هشام جعیت همچنین ایده فرشتگان را به ریشه‌های زردشتی ارجاع می‌دهد که پس از گذر از منطقه بابل به باور توحیدی ابتدایی یهودیان راه یافته است. وی بعثت پیامبر به رسالت اسلام را در سی سالگی آن حضرت و نه در چهل سالگی می‌داند. این موضوعات و موضوعات دیگری از این دست که حاصل اندیشه و نگرش‌های نو بود بلافاصله پس از انتشار این کتاب بسیاری از خوانندگان را با این چالش مواجه ساخت که برای بازنویسی سیره پیامبر تنها بایست بر قرآن تکیه کرد و همچنین این کتاب در صحت سیره‌ها، اسناد آنها و روایات مربوط به سیره‌ها خدشه وارد کرد.



^۱ - Anthropomorphism



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی